





(کتابخانه تخصصی رایحه سیب)

پزشکی که پس از مطالعه رساله ذهبیه امام رضا علیه السلام شیعه شد^۱
بانوی فلسطینی که ساکن زینبیه دمشق است شهری که این روزها کانون حادثه و
درگیری و یکی از پرآشوبترین شهرهای جهان شناخته می‌شود، هنگام سخن گفتن
از جنگ‌های سخت سوریه، در میان کلمات پرآشوب و خشن جنگ و بی‌رحمی‌ها و
کشتارها، امید در کلامش موج می‌زند...

پزشکی که پس از مطالعه رساله ذهبیه امام رضا علیه السلام شیعه شد
گفت‌وگوی دکتر «دلال السلطی» پزشک فلسطینی ساکن شهر دمشق در فضای
ملکوتی حرم مطهر امام رضا علیه السلام انجام شد. گفت‌وگویی که در آن کلماتی چون
فلسطین و انتفاضه و آرمان فلسطینیان، کلیدواژگان اساسی آن بودند. این بانوی
فلسطینی که ساکن زینبیه دمشق است، شهری که این روزها کانون حادثه و درگیری
و یکی از پرآشوبترین شهرهای جهان شناخته می‌شود، هنگام سخن گفتن از
جنگ‌های سخت سوریه، در میان کلمات پرآشوب و خشن جنگ و بی‌رحمی‌ها و
کشتارها، امید در کلامش موج می‌زند و در اوج ایمان و اعتقاد، نسبت به آینده مبهم
سرزمین شام امیدوار است! «دلال» رؤیای بازگشت به سرزمین زیتون را دور نمی‌بیند
و دلبسته سرزمین مادری‌اش است. صحبت که از امام رئوف می‌شود، غریب‌الغربا بودن
امام رضا علیه السلام را صفت آشنایی می‌نامد و فلسطینی‌ها را در این صفت با حضرت

^۱ خبرگزاری رضوی

مشترک می‌بیند. از شیعه شدنش می‌گوید و اینکه با رساله ذهبیه امام رضا علیه‌السلام با مکتب تشیع آشنا و مانوس شده است...

خانم دکتر شما احتمالاً جزو آوارگان فلسطینی ساکن سوریه هستید. این طور نیست؟

بله سال‌ها پیش، پس از اشغال سرزمین‌مان فلسطین به دست صهیونیست‌ها، پدر و مادرم به عربستان مهاجرت کردند. من در آنجا تحصیلات ابتدایی‌ام را گذراندم، اما وقتی می‌خواستم وارد دانشگاه شوم، دانشگاه دمشق را انتخاب و به سوریه مهاجرت کردم. اکنون هم در شهر دمشق و در جوار حرم حضرت زینب سلام‌الله‌علیها در منطقه سیده زینب سلام‌الله‌علیها (زینبیه) سکونت دارم و در یک درمانگاه به کار طبابت مشغولم. البته تخصص من زنان و زایمان است.

قبل گفت‌وگو متوجه شدم در ابتدا شیعه نبودید. چه شد که با اهل بیت علیهم‌السلام به خصوص امام رضا علیه‌السلام آشنا شدید؟

بله درست است، من چیزی از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌دانستم، تا اینکه وقتی به عنوان دانشجوی پزشکی در دانشگاه دمشق مشغول تحصیل شدم، آنجا درباره طب اسلامی شروع به تحقیق کردم. پایان‌نامه من درباره تاریخ علم پزشکی بود که فصلی از آن به علم پزشکی در روایات اسلامی اختصاص داشت. در حین مطالعه، از قضا به رساله ذهبیه امام رضا علیه‌السلام برخوردم که در آن عقاید امام درباره طب آمده بود. این موضوع برایم دلنشین بود و باعث شد من به اهل بیت علیهم‌السلام و امام رضا علیه‌السلام علاقه پیدا کنم و همین زمینه شیعه شدن مرا فراهم کرد. هر چند تا شیعه شدنم ماجراهای فراوانی را پشت سر گذاشتم.

چه ماجراهایی؟

هنگامی که درسم تمام شد، برای گذراندن دوره موظفی به یک اردوگاه آوارگان فلسطینی رفتم. آنجا پزشکی عراقی حضور داشت که شیعه بود. یک روز با او درباره حدیث ثقلین صحبت و مباحثه کردیم؛ او گفت در حدیث ثقلین آمده «کتاب الله و عترتی» و من بسیار تعجب کردم و گفتم نه کتاب «الله و سنتی» آمده است تا اینکه او قانع نشد و به من گفت برو و بیشتر مطالعه کن.

با اینکه استاد راهنمای پایان نامه من مسیحی بود، اما کتابخانه‌اش پر از منابع اسلامی بود. هنگامی که به کتابخانه او مراجعه کردم، در کمال تعجب دیدم که اکثر منابع معتبر همان سخن دکتر عراقی را ذکر کرده‌اند. این تلنگر جدی برای من بود و باعث شد تا علاوه بر کتاب «المعجم الحدیث»، کتاب «المراجعات» سیدعبدالحسین شریف‌الدین را که شرح مناظرات یک عالم شیعه با عالم اهل سنت است، نیز مطالعه کنم. ضمن اینکه ارتباطم را با آن پزشک شیعه عراقی ادامه دادم و در نهایت نیز با مطالعات و تحقیقات فراوانی که در این زمینه انجام دادم، شیفته مکتب اهل بیت علیه‌السلام شدم و مسیر زندگی‌ام عوض شد.

در رساله ذهبیه به چه نکاتی برخوردید که اینقدر تأثیرات عمیق روی شما گذاشت و شیعه شدید؟

(دلالت با لبخند می‌گوید) راستش تسلط علمی امام رضا علیه‌السلام برایم فوق‌العاده بود. بعدها وقتی شنیدم لقبشان عالم آل محمد صلی الله علیه و آله است، ساعت‌ها به این عنوان فکر کردم و گریستم و بارها خدا را به این لقب امام قسم دادم. من آن زمان می‌دیدم که ایشان بسیاری از حقایق پزشکی را قرن‌ها پیش بیان کرده‌اند. حتی نکته‌هایی گفته‌اند که بعد قرن‌ها تازه در دوران معاصر ما کشف شده است. این مسئله

فوق‌العاده بود و مرا به وجد می‌آورد. حیرت می‌کردم وقتی ذهبیه را می‌خواندم و ته قلبم آرزو می‌کردم کاش من هم از شاگردان و دوستان این انسان بزرگ بودم. در واقع رساله ذهبیه امام رضا علیه‌السلام مرا شیعه کرد.

هنوز هم ذهن و قلب‌تان پیش رساله ذهبیه است؟

بله! من روی این کتاب تحقیقات زیادی انجام دادم و متوجه شدم مأمون از امام رضا علیه‌السلام خواست تا نظرات پزشکی‌شان را مکتوب کنند و آنقدر این سخنان زیبا بوده که مأمون آن را ذهبیه یعنی طلایی نامیده است. مثل حدیث سلسله الذهب که باز از ایشان است و سلسله‌ای طلایی است. البته من بعد مطالعات فراوان بر روی رساله ذهبیه، کتابی در شرح آن نوشتم که منتشر شد. وقتی جنگ خانمان‌برانداز سوریه پیش آمد، به دلیل اینکه بیشتر وقتم را مجبور بودم در درمانگاه بگذرانم، نتوانستم تحقیقاتم را کامل کنم. البته اوضاع سوریه نسبت به قبل قدری آرام شده و من امیدوارم که بتوانم به کارم ادامه دهم.

خانواده‌تان با شیعه‌شدن‌تان مشکلی نداشتند؟

خانواده من همگی در عربستان زندگی می‌کردند و قبل از مهاجرت من به دمشق حتی اسم مذهب شیعه هم به گوششان نخورده بود! باورتان می‌شود من خودم تا آن زمان اصلاً نمی‌دانستم مذهب دیگری هم وجود دارد. وقتی درسم در دمشق تمام شد، پدرم از من خواست به عربستان برگردم؛ من بر خلاف میل باطنی‌ام به‌خصوص که می‌دانستم زنان در عربستان امکان فعالیت اجتماعی ندارند به خاطر اطاعت از پدر برگشتم تا اینکه برادرم به سوریه رفت و این مسئله زمینه بازگشت مجدد مرا فراهم

کرد. تا اینکه بلافاصله بعد از بازگشت به سوریه ازدواج کردم و برای همیشه در دمشق ماندگار شدم.

اولین باری که مشهد را دیدید یادتان هست؟ از آن سفر و حس و حالتان برایمان بگویید...

بله! دقیقاً خاطرمد مانده؛ سال ۲۰۱۲ بود که برای شرکت در دهمین دوره جشنواره بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام به مشهد آمدم که مصادف با ولادت امام رضا علیه‌السلام شده بود. آن سفر، اولین باری بود که به زیارت امام هشتم می‌آمدم. حس غیرقابل توصیفی داشتم. سخت است بخواهم احساسم را از مشرف شدن به حرم امام رضا علیه‌السلام بیان کنم. در آن سفر احساساتی چون ترس، امید و محبت فراوان نسبت به امام رئوف در دل داشتم و البته که این احساسات توأم با احساس خشوع در برابر خداوند متعال بود.

وقتی در مقابل ضریح مبارک ایستادم بهترین و شیرین‌ترین لحظات زندگی‌ام را تجربه کردم. حالت ملکوتی و روحانی خاصی بود. این حال و هوای ملکوتی صحن و سرای بارگاه حضرت، همراه با مناظر و چشم‌اندازهای باشکوه و زیبا در کنار هنرهای فاخر ایرانی اسلامی که در جای جای حرم به چشم می‌خورد، انسان را واقعاً مبهوت و مجذوب خود می‌کرد. راستش زیارت امام رضا علیه‌السلام به زندگی من برکت داد و من با خداوند عهد کردم که وقتی از مشهد برگشتم برنامه‌ای برای امام رضا علیه‌السلام در زینبیه برگزار کنم. به خصوص برای کسانی که ایشان را نمی‌شناسند. من معتقدم کسی که امام رضا علیه‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام را نمی‌شناسد همچون مردگان است.

بسیاری از مردم و از جمله آوارگان فلسطینی مقیم سوریه که بسیار دوستدار اهل بیت علیه‌السلام هستند، امام رضا علیه‌السلام را نمی‌شناسند. من در این سفر با یکی از مسئولان برگزاری جشنواره امام رضا توافق کردم که همچنان با ایشان در ارتباط باشم و کتابی درباره امام رضا علیه‌السلام تألیف کنم، تا بتوانم ایشان را بیشتر به مردم سرزمین خودم بشناسانم.

وقتی با امام رضا علیه‌السلام آشنا شدید چه صفاتی از ایشان توجهتان را جلب کرد؟

درباره احساسم نسبت به لقب عالم آل محمد صلی الله علیه و آله برایتان حرف زدم. هنوز هم این صفت‌شان دلم را می‌لرزاند و احساس حیرت دارم. ویژگی دیگری از ایشان هم برایم عجیب است و آن غریب‌الغربا بودن امام هشتم علیه‌السلام است که حسی غریبانه نسبت به آن دارم و با این صفت در دلم احساس دلتنگی می‌کنم.

وقتی که در زیارت امام می‌خوانیم: «السلام علیک ایها الإمام الغریب»، این صفت ایشان سخت مرا تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چراکه من هم این احساس غربت را به خاطر دوری از وطنم فلسطین عزیز دارم و معنای این کلمه را به خوبی می‌فهمم. فلسطینی‌ها بیشتر از مردمان هر کشوری این صفت امام رضا علیه‌السلام را درک می‌کنند و فصل مشترک با ایشان دارند.

یعنی بین امام رضا علیه‌السلام و سرزمین فلسطین نسبتی می‌بینید؟

من درد غربت و دوری از سرزمینم را به امام رضا علیه‌السلام گفته‌ام، سرزمینی که سال‌هاست من و دیگر آوارگان فلسطینی در حسرت بازگشت به آن هستیم. من پیر شده‌ام و شاید رؤیای بازگشت به سرزمین زیتون را با خود ببرم و در این دنیا هیچ‌وقت

به آن نرسیم، این حس خیلی مرا اذیت می‌کند. همیشه با دل شکسته احساساتم را درباره فلسطین و حالا سوریه به غریب‌الغربای اهل بیت علیه‌السلام گفته‌ام. می‌دانم که او در ایران مهمانی عزیز و دوست‌داشتنی است و می‌دانم برای مردم فلسطین دعا خواهد کرد.

در حرم امام رضا علیه‌السلام برای مردم فلسطین چه دعایی کردید؟

من این صحن (جامع رضوی) را خیلی دوست دارم. بزرگ و باشکوه است؛ به نیابت از همه مردم فلسطین در این صحن قدم زدم و برای آزادی و رهایی کشورم دعا کردم. هیچ دعایی برای ما فلسطینی‌ها شیرین‌تر از آرزوی بازگشت به سرزمین آبا و اجدادی‌مان نیست.

گفتید زیارت امام رضا علیه‌السلام به زندگی شما برکت داده، در این باره حرف بزنید...

من اگر بخواهم زندگی‌ام را به دو دوره تقسیم کنم حتماً می‌گویم دوران قبل از آمدن به مشهد و زیارت امام رضا علیه‌السلام و دوران پس از آن. یعنی تا این اندازه این سفر در زندگی من تعیین‌کننده بوده است. زیارت امام رضا علیه‌السلام برای من برکات زیادی داشت. حتی حضور انسان در این مکان به او این امکان را می‌دهد تا به افکار، عواطف و احساسات ناب معنوی بازگردد و آن را به دیگران انتقال دهد. این یک جور شناخت حسی است که به عقیده من عمیق‌ترین شناخت‌هاست، چون با علایق عمیق قلبی درمی‌آمیزد.

من دائماً خداوند را شکر می‌کنم به خاطر فرصتی که برای زیارت امام رضا علیه‌السلام و حضور در حرم ایشان به من عطا کرده است. ایشان به من نظر کرده و فرصت بودن

در جوارشان را به من داده‌اند و من هرچه از این جهت شاکر باشم باز هم کم است. زیارت امام رضا به نفوس، قلوب، عواطف و عقلمان نیرو و انرژی می‌دهد تا بتوانیم در شرایط حاضر که آکنده از تاریکی و ظلمت است، به زندگی‌مان ادامه دهیم. ما در این روزگار به فرهنگ رضوی که همان فرهنگ گفت‌وگو و مناظره است بسیار نیاز داریم.

و حالا برسیم به جشنواره بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام که شما هم مهمان آن شدید، جشنواره را چطور ارزیابی می‌کنید؟

من برای جشنواره امام رضا علیه‌السلام ارزش و اهمیت فراوانی قائلم و آن را مبارک می‌دانم، اینکه هر فردی در هر جای دنیا می‌تواند با ارسال آثار در این جشنواره شرکت کند خیلی خوب است.

همچنین به نظر من از دیگر مزیت‌های این جشنواره امکان شناخت افراد و افکار متنوع فعال در زمینه فرهنگ رضوی است. همیشه در اسلام جمع بر فرد مقدم بوده و جشنواره امام رضا علیه‌السلام امکان جمع شدن ما و فکرهايمان را درباره امام فراهم می‌کند. ما هم که در جشنواره حضور یافته‌ایم مسئولیت سنگینی بر دوش داریم و باید این موضوع را درک کنیم تا بتوانیم پیام‌رسان این فرهنگ باشیم.

من از دست‌اندرکاران جشنواره که فضایی ایجاد کردند تا امام رضا علیه‌السلام را زیارت کنیم تشکر می‌کنم. امام رضا علیه‌السلام می‌فرمایند: خدا رحمت کند کسی را که امر ما را احیا کند. امیدوارم ما هم جزو احیاکنندگان امر امام‌مان باشیم.

همچنین من دو پیشنهاد به طور خاص دارم؛ یکی حمایت از مردم مظلوم فلسطین، چه در خاک فلسطین و چه در خارج از مرزهای آن به عنوان مثال پیشنهاد می‌کنم در جشنواره امام رضا علیه‌السلام از آوارگان فلسطینی که در منطقه زینبیه دمشق در

برابر تروریست‌ها از حرم حضرت زینب سلام‌الله‌علیها دفاع می‌کنند به نمایندگی از کشور مظلوم فلسطین حضور داشته باشم.

پیشنهاد دوم من نیز این است که در مدرسه دارالحدیث در سوریه شیعیانی در حال تحصیلند؛ من درخواست می‌کنم به عنوان هدیه تشویقی، یک سفر به مشهد مقدس از طریق جشنواره برای این عزیزان در نظر گرفته شود.

با توجه به شرایط فعلی، سوری‌ها می‌توانند برای زیارت مشهد بیایند؟

بله! من خودم در شب قدر (۲۳ ماه رمضان)، یک اتوبوس زائر برای زیارت امام رضا علیه‌السلام به مشهد فرستادم! قبلاً حاجتی از امام رضا علیه‌السلام داشتم که دقیقاً یک سال بعد، روز ۲۳ ماه رمضان به آن رسیدم و خداوند به فرزندم یک پسر بخشید که اسم او را رضا گذاشتیم و وقتی دعای من برآورده شد نذر کردم تا با هزینه شخصی‌ام کاروانی را به مشهد بفرستم تا جبرانی برای این لطف بی‌نهایت ایشان نسبت به من باشد.

حضور در جشنواره امام رضا علیه‌السلام و سفر به مشهد چه دستاوردهایی برای شما داشت؟

باید بگویم در این سفر و در این وقت اندک با برادران و خواهران جدیدی آشنا شدم که ارتباط با آنها واقعاً برایم لذت‌بخش بود، از مسئولان، مترجمان، خبرنگاران و... تشکر می‌کنم. آشنایی با این افراد از مهم‌ترین اتفاقات حضور در این دوره از جشنواره بود.

یک سؤال هم درباره وضعیت سوریه به خصوص دمشق که شما ساکن آن هستید و این روزها در کانون اخبار رسانه‌های جهان قرار دارد، داریم؛ اوضاع هم‌اکنون چگونه است؟

نسبت به سال‌های قبل که آشوب و جنگ و ناامنی به اوج خود رسیده بود، اوضاع آرام‌تر شده است. وقتی سال ۲۰۱۲ می‌خواستیم برای شرکت در جشنواره به ایران بیاییم، امکان رفتن به حرم سیده زینب سلام‌الله‌علیها وجود نداشت و خیلی ناامن بود. ولی الان الحمدلله اوضاع آرام شده، هر چند نابسامانی‌ها وجود دارد. مثلاً برق شهر دمشق گاهی قطع می‌شود، اجناس گران است، درباره بنزین کمبود داریم و... هر چند منطقه‌ای که من ساکن آن هستم، یعنی منطقه سیده زینب سلام‌الله‌علیها (زینبیه) که بیشتر آوارگان فلسطینی در این منطقه زندگی می‌کنند، برق و آبش از شهر دمشق جداست ولی به هر حال نابسامانی‌های ناشی از جنگ هست که مردم را اذیت می‌کند. درباره وضعیت سیاسی هم همه دنیا می‌دانند که بشار اسد فرد محبوبی در میان سوری‌هاست و هر چه در توانش بوده برای رهایی کشور از جنگ انجام داده، اکثر مردم بشار را دوست دارند. ان‌شاءالله که جنگ زودتر تمام شود و آرامش دوباره به خاک سوریه بازگردد.

**از وضعیت حرم حضرت زینب سلام‌الله‌علیها و حضرت رقیه سلام‌الله‌علیها
برایمان بگویید...**

حرم سیده زینب سلام‌الله‌علیها در امنیت کامل است. من روزی که راهی مشهد بودم به زیارت ایشان رفتم و آنقدر حرم مملو از زائران بود که نتوانستم ضریح را لمس کنم. آنجا یاد دعایم در سال ۲۰۱۲ در مشهد و در مقابل ضریح امام رضا علیه‌السلام افتادم

که از ایشان خواستم امنیت به زینبیه و بارگاه سیده زینب سلام‌الله‌علیها بازگردد که الحمدلله اینطور شد.

درباره حرم سیده رقیه سلام‌الله‌علیها هم باید بگویم که دو راه برای رفتن به حرم سیده رقیه سلام‌الله‌علیها وجود دارد که یکی خیلی ناامن است و دیگری با وجود اینکه طولانی‌تر است ولی امنیت بیشتری دارد و ما هر از گاهی از این مسیر به زیارت می‌رویم ان‌شاءالله که امنیت کامل به حرم سیده رقیه سلام‌الله‌علیها نیز بازگردد.

خانم دکتر! همین حالا و در حالی که ما مهمان امام رضا علیه‌السلام در حرم‌شان هستیم اگر بخواهید دعایی بکنید آن دعا چیست؟

درخواستم از امام رضا علیه‌السلام این است که امنیت و آرامش به همه کشورهای اسلامی برگردد. ما التهاب و استرس جنگ را در فلسطین درک کرده‌ایم و حالا در سوریه همان اوضاع وجود دارد. به‌خصوص من از حضرت می‌خواهم برای بازگشت آرامش به منطقه سیده زینب سلام‌الله‌علیها دعا کنند تا محبین ایشان دوباره بتوانند به زیارت عمه بزرگوارشان بیایند.

بگذارید یک خاطره برایتان بگویم. اولین بار وقتی سال ۲۰۱۲ برای شرکت در جشنواره دهم امام رضا علیه‌السلام راهی مشهد شدم زائران امکان رفتن به حرم حضرت زینب سلام‌الله‌علیها را نداشتند چون جنگ سختی بود و تنها تعدادی از افراد مسلح به عنوان محافظ حرم، آنجا حضور داشتند. یادم هست وقتی برای اولین بار، در برابر ضریح امام رضا علیه‌السلام ایستادم و سیل جمعیت را دیدم ناخودآگاه یاد غربت بانو حضرت زینب سلام‌الله‌علیها افتادم و ساعت‌ها گریستم اما این بار که برای حضور در جشنواره سیزدهم می‌خواستم به مشهد بیایم ابتدا به زیارت بانو حضرت زینب رفتم و ضریح‌شان را لمس کردم. الحمدلله خداوند مقام ایشان را برای ما محافظت کردند.

درخواستم از امام رضا علیه‌السلام این است که امنیت کامل به این مکان بازگردد تا زائران بتوانند به زیارت ایشان بروند. البته دعای دیگری هم دارم که بیان آن برایم آسان نیست.

می‌شود دعایتان را به ما بگویید؟

(اشک در چشم‌هایش حلقه می‌زند) دعای خاصم این است که پیش از مرگ خداوند توفیق نوشتن افکارم درباره امام رضا علیه‌السلام را به من عطا کند. من درد نابودی کسی که اهل بیت علیه‌السلام را نمی‌شناسد به خوبی درک می‌کنم. شناخت و معرفت اهل بیت علیه‌السلام مانند نوری است که خداوند به قلب انسان می‌تاباند. من در حرم امام از خداوند می‌خواهم که موفق به تألیف کتابی درباره امام هشتم شوم.

چه حرف نگفته‌ای دارید که دوست دارید به مخاطبان ما بگویید؟

ارادت ما فلسطینی‌ها به مردم ایران از جنس دیگری است. امام خمینی رحمه‌الله بود که ما و آرمان فلسطین را دوباره زنده کرد و پیشتاز معرفی اهل بیت علیه‌السلام در جهان معاصر بود. به‌نظر من فضیلت پیشتازی در زمینه معرفی اهل بیت علیه‌السلام در دوران ما از آن ایشان است. من از مردم ایران می‌خواهم در حرم امام رضا علیه‌السلام همه مظلومان دنیا به‌خصوص مردم فلسطین را دعا کنند.

حتماً می‌دانید ایرانی‌ها چقدر به دو بانوی بزرگوار شهر دمشق یعنی حضرت زینب سلام‌الله‌علیها و دختر سه ساله امام حسین علیه‌السلام حضرت رقیه سلام‌الله‌علیها ارادت داریم و حدود پنج سال است که با حوادث خونین شام

دست ما از زیارت این بانوان باکرامت کوتاه است خواهش ما این است که سلام ناقابل ما را به آن دو بانوی عزیز برسانید و اگر توانستید نایب‌الزیاره ما باشید...

حتماً! من از مشهد به بیروت و از آنجا به دمشق خواهم رفت و ان شاءالله اولین کاری که می‌کنم به حرم سیده زینب سلام‌الله‌علیها می‌روم و نایب‌الزیاره همه برادران و خواهران ایرانی‌ام خواهم بود. هر وقت اطراف حرم حضرت رقیه سلام‌الله‌علیها امن بود حتماً آنجا را هم به نیابت از شما زیارت خواهم کرد.

ما نیز در مشهد الرضا دعاگویتان خواهیم بود....